

چگونگی انتساب مکر به خداوند (نطبق دیدگاه مفسران اشاعره

و شیعه)

طاهره عبداللهی^۱، رقیه یوسفی^۲

چکیده

بخشی از آیات قرآن کریم به عنوان پیام جاویدان خداوند برای انسان ها به توصیف نام ها و افعال خداوند اختصاص یافته است. از جمله این نام ها، انتساب صفت مکر به خداوند است. در مورد چگونگی انتساب این صفت به خداوند دیدگاه های متفاوتی مطرح شده است. گروهی معتقدند که مکر خداوند جزای ماکراست. برخی مکر الهی را استدراج دانسته و گروهی مکر الهی را برگرداندن مکر ماکر به خودش یا ابطال مکر ماکر دانسته اند. مقاله حاضر درصدد است با تبیین معنای مکر و بیان دیدگاه اشاعره و شیعه به شناخت مختصر از چگونگی انتساب این صفت بر خداوند دست یابد. باتوجه به معنای مکر که عبارت است از تدبیر محکم و چاره اندیشی، این اسناد حقیقی است؛ زیرا اگر مکر به قصد اضرار و سوء نیت ایجاد شود، مکر سیئ و مذموم است و اگر ایجاد آن به قصد اضرار و سوء سرپرست نباشد بلکه در اصل و ریشه از رحمت و عنایت، نشأت گرفته باشد چنان مگری، نیکو و محمود است.

واژگان کلیدی: مکر، کید الهی، خدعه، مکر الهی، نیرنگ، فریب.

۱. مقدمه

در تعدادی از آیات قرآن کریم واژه مکر به کار رفته است. با دقت در این آیات روشن می شود که خداوند علاوه بر آنکه آن را در مورد انسان به کار برده است در مورد خودش نیز به کار برده است. در مورد انسان، کاربرد این واژه امری طبیعی است، اما انتساب این صفت به خداوند متعال با توجه به برداشت ظاهری

۱. دکترای تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی ص العالمیه، ایران.

۲. مدرس گروه علمی - تربیتی قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی ص العالمیه، ایران. (نویسنده مسئول)

از این واژه، امری نامأنوس و عجیب به نظر می‌رسد و باعث شده که برخی از روشن‌فکران معاصر در مقام شبهه به ذات اقدس الهی برآیند. یکی از این افراد شخصی به نام مستعار سها است که در کتاب نقد قرآن در مورد مکر الهی می‌نویسد: «مکر، کید، خدعه و فریب، همگی به معنای نادرست جلوه‌دادن واقعیت به دیگری است به نحوی که موجب خطا در تصمیم‌گیری و عمل فرد شود تا منجر به پیدایش شری برای او شود» (سها، ۱۳۹۱، ص ۳۹۷). وی می‌گوید: «بدخواهی و دروغ و سوق دادن به سوی خطا و شر جوهره این رفتارهاست. در قرآن تمام این رفتارها به خدا نسبت داده شده است» (سها، ۱۳۹۱، ص ۳۹۷). تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با روش کتابخانه‌ای با استفاده از تفاسیر مفسران شیعه و اهل سنت در صدد بررسی نظر مفسران اشاعره و شیعه برای پاسخ به این گونه شبهات و تحلیل چگونگی انتساب صفت مکر به خداوند است.

۲. مفهوم شناسی

در زمینه مکر الهی در تفاسیر مختلف ذیل آیات مربوطه به صورت اجمالی نکاتی مطرح شده است. مقالاتی نیز در این موضوع نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- مقاله مکر الهی نوشته فاطمه عابدینی که مطالب کلی در مورد مکر الهی بیان شده است.
- سنت آزمایش در منظومه هستی از منظر قرآن نوشته جواد سلیمانی. در این مقاله به مکر الهی و ارتباط آن با سایر سنت‌ها اشاره شده است.
- مکر و انتساب آن به خداوند نوشته محمد شریفی و نسرین اشتیاقی. در این مقاله تفاوت مکر انسان و مکر الهی و ویژگی‌های مکر الهی بررسی شده است.

نگاه تطبیقی به آراء مفسران اشاعره و شیعه، امری است که نوشتار را از نگاه‌های دیگر متمایز می‌کند.

۲-۱. دیدگاه اهل لغت درباره واژه مکر

برخی لغویان معنای اولیه و اصلی واژه مکر را القتل به معنای تاباندن (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۰۷) و برخی دیگر اصل این واژه را الخداع به معنای خدعه و نیرنگ دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵/۱۸۴). از نظر

راغب اصفهانی، مکر به معنای منصرف کردن دیگری از آنچه قصد کرده است که ممکن است ممدوح یا مذموم باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۲). ابن منظور قید پنهانی بودن را در مکر لحاظ کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۸۳/۵). در حالی که برخی دیگر به قید مذکور اشاره نکرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۴۵/۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳۷۰/۵).

۲-۲. دیدگاه مفسران درباره واژه مکر

- مکر به معنای مطلق ضرررسانی است. (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ۱۷۷/۱) برخی کنار ضرررسانی، قید تلاش و کوشش کردن را نیز افزوده‌اند (تعلبی، ۱۴۲۲، ۷۸/۳).

- مکر به معنای تدبیر و چاره‌اندیشی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶۶/۲) برخی دیگر مکر را تدبیر در جهت ضرررسانی بدون آشکار کردن نظر خود معنی می‌کنند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۲۳۱/۴).

- برخی مکر الهی را مجازات الهی تفسیر کرده‌اند. مرحوم طبرسی می‌نویسد: «مکر الهی کنایه از این است که خداوند بنده را از جایی که نمی‌داند به کیفر می‌رساند و با اعطای صحت و سلامت و نعمت ظاهری به بنده او را به تدریج گرفتار مکر و عذاب خود می‌کند». (طبرسی، ۱۳۷۷، ۳۶۲/۲) علامه طباطبایی معتقد است اضلال اگر در پاره‌ای آیات به خداوند نسبت داده شده است به عنوان مجازات است نه مکر ابتدایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴۳۷/۷).

۲-۳. مفاهیم متقارب واژه مکر

علاوه بر واژه مکر، کلمات دیگری مانند کید: «وَأُمْلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ؛ و به آنها مهلت می‌دهم تا مجازاتشان دردناک‌تر باشد؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی و حساب شده، است و هیچ‌کس را قدرت فرار از آن نیست» (اعراف: ۱۸۳؛ قلم: ۴۵) و خدعه: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛ منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند با کسالت برمی‌خیزند و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند» (نساء: ۱۴۲) نیز در قرآن به خدا نسبت داده شده‌اند

که معانی شبیه به معنای مکر را دارند که با روشن شدن نوع انتساب مکر به خدا وضعیت این دو واژه نیز تا حدودی روشن خواهد شد.

۳. کاربردهای مکر در قرآن

۳-۱. مکر بندگان

روشن است که توسل انسان‌ها به حیله و کید و مکر از روی ناچاری و برای تأمین هدف و رفع نیاز خود است و به این وسیله می‌کوشد تا مانع را از سر راه خود بردارد. مکر به این شکل نمی‌تواند در مورد خداوند معنی پیدا کند؛ زیرا خداوند قادر مطلق و عالم و آگاه به همه امور است. در آیات مختلف این صفت به انسان‌ها نسبت داده شده است مانند: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ؛ هنگامی‌را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند یا به قتل برسانند و یا از مکه خارج سازند آنها چاره می‌اندیشیدند و نقشه می‌کشیدند» (انفال: ۳۰؛ رک.، آل عمران: ۵۴؛ نمل: ۵۰).

۳-۲. مکر خداوند

در قرآن کریم در چند جا صفت ماکربودن به خداوند متعال نسبت داده شده است:

۳-۲-۱. در تقابل با مکر معاندان

دسته اول آیاتی است که در تقابل با مکر معاندان دین در جهت نقشه‌ریزی برای قتل انبیای الهی بوده است. «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش) نقشه کشیدند و خداوند (بر حفظ او و آیینش) چاره‌جویی کرد و خداوند بهترین چاره‌جویان است». (آل عمران: ۵۴). «وَمَكَرُوا مَكْرًا وَ مَكَرْنَا مَكْرًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ آنها نقشه مهمی کشیدند و ما هم نقشه مهمی در حالی که آنها درک نمی‌کردند» (نمل: ۵۰). «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی‌را که کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند یا به قتل برسانند و یا (از مکه) خارج سازند آنها چاره می‌اندیشیدند (و نقشه می‌کشیدند) و خداوند هم تدبیر می‌کرد و خدا بهترین چاره‌جویان و تدبیرکنندگان است» (انفال: ۳۰).

۳-۲-۲. در ایمن نبودن کفار از مکر الهی

«أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند». (اعراف: ۹۹) «وَإِذَا أَدْفَأْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ؛ هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسیده است، رحمتی بچشانیم در آیات ما نیرنگ می‌کنند (و برای آن نعمت و رحمت توجیهاات ناروا می‌کنند) بگو: خداوند سریع‌تر از شما مکر [چاره‌جویی] می‌کند و رسولان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می‌کنید (و نقشه می‌کشید) می‌نویسند» (یونس: ۲۱). «وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَلِ الْمَكْرُ جَمِيعًا؛ پیش از آنان نیز کسانی طرح‌ها و نقشه‌ها کشیدند، ولی تمام طرح‌ها و نقشه‌ها از آن خداست، او از کار هر کس آگاه است و به زودی کفار می‌دانند سرانجام (نیک و بد) در سرای دیگر از آن کیست» (رعد: ۴۲).

در برخی از این آیات، مکر الهی منتسب به خیر شده است و خدا بهترین مکرکنندگان معرفی شده است. «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ؛ آنان مکر کردند و خدا هم مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است». (آل عمران: ۵۴) «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتُوكَ أَوْ يَفْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ؛ و آن هنگام را به یاد آور که کافران درباره تو مکاری کردند تا در بندت افکنند یا بکشندت یا از شهر بیرون سازند. آنان مکر کردند و خدا نیز مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است» (انفال: ۳۰). مرحوم طبرسی می‌گوید: «خدا بهترین مکرکنندگان است؛ یعنی منصف و عادل‌ترین مکرکنندگان است؛ زیرا مکر دیگران ظلم است و مکر او عدل و انصاف و خداوند جز آنچه حق و صواب است نمی‌اندیشد و آن این است که عذاب را بر کسانی که سزاوار آن هستند، نازل می‌کند. مردم گاهی درباره ظلم و فساد، مکر می‌کنند و گاهی درباره عدل، اما فایده این قسم مکر آنها نیز به اندازه مکر خداوند به مردم مؤمن فایده نمی‌رساند». از این جهت خداوند «خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» است (طبرسی، ۷۵۸/۲، ۱۳۷۲).

۴. دیدگاه مفسران درباره واژه مکر

۴-۱. دیدگاه مفسران اشاعره درباره واژه مکر

فخر رازی در ذیل آیه شریفه: «وَمَكْرُؤٌ وَّمَكْرَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ؛ و یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش نقشه کشیدند و خداوند بر حفظ او و آیینش چاره جویی کرد و خداوند بهترین چاره جویان است» (آل عمران: ۵۴) در مورد مکر الهی در این آیه شریفه، وجوه مختلفی را بیان می کند که عبارتند از: بردن حضرت عیسی علیه السلام به آسمان و حفظ او از ضربه یهود، مجازات کردن قوم بنی اسرائیل به دلیل تکذیب مسیح علیه السلام، مسلط کردن دشمنان بر مسیحیان، آشکار کردن دین حضرت مسیح علیه السلام و بالابردن شریعت او و خوار کردن دشمنان (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸/۲۳۶). وی سپس با بیان اینکه مکر عبارت است از نقشه کشیدن برای رساندن شر و این ک ار بر خداوند متعال محال است، این لفظ را از تشابهات دانسته است و در تأویل آن وجوه مختلفی را بیان می کند:

- خداوند جزای مکر را مکر نامیده است مانند قول خداوند متعال که می فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا؛ جزای هر بدی، بدی است مانند آن، پس کسی که عفو کند و آشتی ورزد مردش با خداست؛ زیرا او ستمکاران را دوست ندارد» (شوری: ۴۰) و مانند جزای استهزاء که استهزاء نامیده می شود.

- معامله خدا با کسانی که خدعه می کنند شبیه مکر است. از این رو مکر نامیده می شود.
- این لفظ از تشابهات است؛ زیرا مکر عبارت است از تدبیر محکم و کاملی که در عرف به اندیشیدن و رساندن شر به دیگران اختصاص یافته است و چنین امری از خداوند محال است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸/۲۳۶)

بیضاوی (وفات ۶۸۵) ذیل آیات مختلف که مکر الهی را بیان کرده اند، تعابیر مختلفی به کار برده است؛ ذیل آیه «وَمَكْرُؤٌ وَّمَكْرَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَكْرِيْنَ؛ و یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش نقشه کشیدند و خداوند بر حفظ او و آیینش چاره جویی کرد و خداوند بهترین چاره جویان است» (آل عمران: ۵۴) پس از تعریف مکر، به تدبیر در جهت ضرر رساندن به دیگران در مورد مکر الهی می نویسد: «مکر به خداوند اسناد داده نمی شود مگر بر سبیل مقابله و مزاجت و جایز نیست که این لفظ

به صورت ابتدایی به خدا نسبت داده شود» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۱۹/۲). همچنین ذیل آیه: «وَمَكْرُوا مَكْرًا وَ مَكْرَنَا مَكْرًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ؛ و غافل بودند که اگر آنها حيله‌ای اندیشیده‌اند ما نیز حيله‌ای اندیشیده‌ایم» (نمل: ۵۰) در توضیح مکر الهی می‌نویسد: «خداوند نتیجه توطئه و مکر دشمنان را وسیله‌ای برای نابودی و هلاک آنها قرار داد» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۱۶۳/۴). در جای دیگر می‌گوید: «مراد، برگرداندن مکر دشمنان به خودشان است» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۵۷/۳). می‌توان گفت که وی مکر الهی را همان جزای الهی می‌داند.

ذیل آیه: «أَفَأَمْتُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُرُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر و مجازات خدا ایمن نمی‌دانند» (اعراف: ۹۹) می‌نویسد: «مکر الهی استعاره از استدراج بنده و گرفتن او بر وجهی است که نداند» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲۵/۳ و ۱۰۹/۳).

ابی‌السعود (وفات ۹۵۱ هجری) در کتاب *ارشاد القلب السليم الى مزايا القرآن الكريم* در مورد مکر و اسناد آن به خداوند متعال با دیگر اشاعره هم‌داستان است و معانی مختلفی برای آن بیان می‌کند که عبارتند از: عقوبت و مجازات الهی (ابی‌السعود، بی‌تا، ۱۳۳/۴ و ۲۹۱/۶) استدراج الهی نسبت به عبد، استناد به سبیل مشاکله (ابی‌السعود، بی‌تا ۴۳/۲). ابن‌عاشور می‌گوید: «مکر کاری است که به وسیله آن، ضرر رساندن به دیگران قصد شده است به طوری که براو مخفی باشد و مراد از مکر الهی در آیه ۵۴ سوره آل‌عمران این است که یهود تدبیر کردند که حضرت عیسی عليه السلام را دستگیر کنند و خداوند نقشه آنها را نابود کرد، پس مکر به صورت مشاکله و تمثیل به یهود به خدا نسبت داده شده است» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ۱۰۶/۳)، سپس می‌نویسد: «البته جایز است که مکر بدون مشاکله به خداوند نسبت داده شود همان طوری که در قول خداوند متعال آمده است که می‌فرماید: «أَفَأَمْتُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُرُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف: ۹۹)» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ۱۰۶/۳).

وی در مورد خیر الماکرین بودن خداوند می‌نویسد: «مراد همان سنت استدراج و املاست که خداوند برای فجار و منافقین مقدر کرده است. این سنت شبیه مکر است؛ زیرا ظاهرش خوب، ولی

عاقبتش بد است. مکر خدا، خیر محض است و مصلحت عامه در آن لحاظ شده است اگرچه ممکن است برای یک یا چند نفر اذیت باشد. مکر خدا از این جهت که مصلحت عامه در آن مد نظر است مجرد از تمام بدی‌ها مانند ترس و ضعف و طمع و... است که در مکر وجود دارد؛ زیرا افعالی که به خدا نسبت داده می‌شوند زشتی افعال بندگان را ندارند، پس مکر خدا خیر محض است». (ابن عاشور، بی‌تا، ۱۰۶/۳) آلوسی قبل از بیان نظر تفسیری خود ابتدا به عنوان مقدمه، نظر دیگران را در مورد معنای لغوی این واژه بیان می‌کند و می‌نویسد: «اصل آن، شر است. بنابراین، وقتی شب هوا تاریک شود، گفته می‌شود: مکر اللیل». برخی نیز معنای پوشیده‌بودن کار را در معنای آن لحاظ کرده‌اند و برخی دیگر به معنای برگرداندن رأی و نظر دیگران به منظور ضربه‌زدن به آنها معنی کرده‌اند. وی در بیان تفاوت میان مکر و حيله می‌نویسد: «مکر عبارت است از آشکار کردن امری که مخفی بوده و در آن قصد ضرر رساندن نیست؛ اما در حيله، قصد ضرر رسانی لحاظ شده است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۱/۲).

آلوسی، نظر دو گروه را در مورد انتساب مکر به خداوند متعال چنین بیان می‌کند: گروه اول معتقدند که با توجه به معانی که ذکر شد و با توجه به اینکه خداوند از حيله بی‌نیاز است این صفت به طریق مشاکله به خدا نسبت داده می‌شود و مکر به صورت ابتدایی به خدا نسبت داده نمی‌شود. این نظر به جماعتی نسبت داده شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۱/۲) گروه دوم، اطلاق این صفت به خداوند را بدون مشاکله و به صورت ابتدایی هم جایز می‌دانند و به چند دلیل استناد می‌کنند:

- در آیه شریفه: «أَفَأَمْتُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ [با آنکه] جز مردم زیان‌کار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند» (اعراف: ۹۹) به صورت ابتدایی به خدا نسبت داده شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۱/۲)

- روایتی از امام (بیان نمی‌کند که منظور از امام، کدام امام است) نقل شده است که فرمود: «أن المکر ایصال المکره إلى الغير علی وجه یخفی فیه، وأنه یجوز صدوره عنه تعالی حقیقه؛ مکر عبارت است از رساندن بدی به دیگران به طوری که از او مخفی باشد و این امر از خداوند هم صادر می‌شود». (آلوسی،

- معنای مکر: «إِنَّهٗ عِبَارَةٌ عَنِ التَّدْبِيرِ الْمُحْكَمِ وَ هُوَ لَيْسَ بِمَمْتَنَعٍ عَلَيْهِ تَعَالَى؛ مَكْرٌ عِبَارَةٌ اسْتِزْجَارٌ

چهاراندیشی و تدبیر محکم و این امر برای خداوند ممتنع نیست». (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۱/۲)

گروه اول از استدلال گروه دوم به آیه جواب داده‌اند که در این آیه نیز مشاکله صورت گرفته است، اما به صورت تقدیری، مانند قول خداوند که می‌فرماید: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً؛ بر کسی پوشیده نیست که چیزی در تقدیر است» (بقره: ۲۳۸). (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۱/۲) آلوسی پس از بیان این مقدمات، نظر خودش را چنین بیان می‌کند: «بهتر است، بگوییم این صفت به صورت ابتدایی و بدون مشاکله در مورد خدا استفاده می‌شود البته در معنایی که شایسته خداوند جل جلاله باشد» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۷۲/۲). ایشان معتقد است که چیزی در آیه در تقدیر نیست و در جواب کسانی که چیزی را در تقدیر می‌گیرند، روایتی از امام علی علیه السلام را نقل می‌کند که حضرت فرمود: «مَنْ وَصَّحَ عَلَيْهِ فِي دُنْيَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مُكْرَبٌ فَهُوَ مَخْدُوعٌ فِي عَقْلِهِ؛ کسی که در زندگی دنیایش وسعت داده شود و نفهمد که مورد مکر قرار گرفته است، عقلش دچار خدعه شده است»، سپس می‌گوید: «اینکه بگوییم در این گونه موارد مشاکله صورت گرفته است، بعید است» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۸۶/۵). وی ذیل آیه: «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (انفال: ۳۰) در مورد معنای مکر الهی می‌نویسد: «مراد این است که خداوند مکر آنها را به خودشان برمی‌گرداند یا آنها را مجازات می‌کند و یا با آنها معامله ماکرین را می‌کند» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۸۵/۵)، سپس مراد از مکر الهی در این آیه را این طور بیان می‌کند که خداوند در جنگ بدر، تعداد مسلمانان را در چشم دشمنان تقلیل داد و آنها را برای جنگ بیرون آورد تا آن گونه شکست بخورند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۸۵/۵).

نتیجه اینکه، فخر رازی با توجه به محال بودن شمرسانی از جانب خداوند این لفظ را از متشابهات می‌داند و در تأویل آن، معانی مختلفی مانند جزاء اعمال و... را بیان می‌کند. بیضاوی و آلوسی نسبت دادن مکر به خداوند را بر سهیل مقابله و مزاجت می‌داند نه به صورت ابتدایی، ابی‌السعود و ابن‌عاشور نیز با دیگر اشاعره هم‌داستان می‌شوند و وجوه مختلفی مانند عقوبت و مجازات و استدرج نسبت به عبد را تفسیر این واژه می‌شمرند.

۴-۲. دیدگاه مفسران شیعه درباره واژه مکر

- شیخ طوسی (وفات ۴۶۰) و مرحوم طبرسی (وفات ۵۴۸) در مورد معنی مکر الهی می‌نویسند: «مکر نسبت به دشمنان مجازات آنها بود». (طوسی، بی تا، ۴۷۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۵۷/۲) آنها مراد از مکر را استدراج الهی شمرده‌اند (طبرسی ۱۳۷۲، ۶۹۹/۴) و در کیفیت اسناد مکر به خدا می‌نویسند: «مکر اگرچه قبیح است، اما خداوند از باب مزاجه الکلام (جفت شدن سخن) است. مانند آیه شریفه: "فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ" (بقره: ۱۹۴) که کار مسلمانان در مقابل دشمنان در حقیقت اعتداء نیست بلکه مجازات دشمنان است، اما از باب مزاجه به همان اسم نامیده شده است» (طوسی، بی تا، ۴۷۶/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۵۷/۲). در تفسیر البرهان روایاتی با این مضمون از امام رضا علیه السلام نقل شده است که: «خداوند نسبت به کسی مکر نمی‌کند و مراد از مکر الهی جزای مکر است که به نام مکر نامیده شده است» (بحرانی، ۱۴۱۶، ۲۷۲/۳ و ۶۲۷/۱). مرحوم بلاغی در مورد این روایت اول سند این روایت را زیر سؤال می‌برد و می‌نویسد: «فإن فی سنده جهالة وإهمال» و سپس می‌فرماید: «ممکن است مراد، مکر منفی و همان معنای شایع یعنی، ضرررسانی نابجا به دیگران باشد» (بحرانی، ۱۴۱۶، ۲۷۲/۳ و ۶۲۷/۱).

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه: «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يَضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (بقره: ۲۶) می‌فرماید: «آیه شهادت می‌دهد بر اینکه يك مرحله از ضلالت و کوری دنبال کارهای زشت انسان به عنوان مجازات در انسان گنه کار پیدا می‌شود و این غیر آن ضلالت و کوری اولی است که گنه کار را به گناه واداشت، خداوند اضلال را اثر و دنباله فسق معرفی کرده است نه جلوتر از فسق، معلوم می‌شود این مرحله از ضلالت غیر از آن مرحله‌ای است که قبل از فسق بوده و فاسق را به فسق کشانده است»، سپس می‌فرماید: «هدایت و اضلال دو کلمه جامعی هستند که تمام انواع کرامت و خذلانی که از سوی خدا به سوی بندگان سعید و شقی می‌رسد، شامل می‌شود که نیرنگ الهی با بندگان، یکی از مصادیق اضلال به شمار می‌رود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۹۱/۱).

با این تعبیر روشن می‌شود که ایشان صدور مکر ابتدایی را بدون اینکه بنده معصیتی کرده باشد از خدا ممتنع می‌داند و در حقیقت مکر الهی را مجازات و عقوبت بنده (طباطبایی ۱۴۱۷، ۳۵/۱۰؛



طباطبایی ۱۴۱۷، ۳۷۵/۱۵) معنی می‌کند. وی با تقسیم مکربه مکر ممدوح و مذموم می‌فرماید: «مکر ممدوح آن است که به منظور عمل صحیح و پسندیده انجام شود و بنابراین، خدا فرمود: «اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»، اما مکر مذموم آن مکاری است که به منظور عمل قبیح و ناپسندی به کار رود و در این باره فرموده: «وَلَا يَجِيئُ الْمَكْرَ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ؛ این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد و درباره هر دو قسم آن فرموده: "وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَ مَكْرًا مَكَرًا"» (طباطبایی ۱۴۱۷، ۶۶/۹). آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «برخلاف واژه سیئه و اعتدا که در جوهرشان مذمت خوابیده است در جوهر کلمه مکر، مذمت ملحوظ نیست. بنابراین، می‌توان آن را بی‌هیچ توجهی به خدا نیز اسناد داد از این رو در دعای ابوحمزه ثمالی می‌خوانیم: "و لا تمکری فی حیلتک؛ خدایا حایلی بین من و اهدافم قرار مده"» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۳۷۷/۱۴).

مفسران شیعه با واژه مکر دوگونه برخورد کرده‌اند: گروه اول مانند شیخ طوسی، مرحوم طبرسی و بحرانی، نسبت دادن این واژه به خداوند را از باب مزاجه الکلام، سنت استدراج و مجازات الهی دانسته‌اند. گروه دوم مانند بلاغی و علامه طباطبایی با تقسیم مکر به مکر ممدوح و مکر مذموم، نسبت دادن مکر ممدوح را به خداوند، صحیح می‌دانند. آیت‌الله جوادی آملی با توجه به اینکه در جوهره این واژه، مذمت نخوابیده است اسناد آن را به خداوند بدون اشکال می‌داند.

۵. نتیجه‌گیری

در مورد معنای مکر و چگونگی اسناد آن به خداوند متعال دیدگاه‌های مختلفی از مفسران اشاعره و شیعه بیان شده است: گروهی معتقدند که مکر خداوند جزای ماکر است. گروهی آن را از باب تسمیه عاقبت به اسم ابتدا می‌دانند. برخی مکر الهی را استدراج می‌دانند و گروهی مکر الهی را برگرداندن مکر ماکر به خودش یا ابطال مکر ماکر دانسته‌اند. گروه دیگر معتقدند که مکر الهی هیچ‌گاه ابتدایی نیست و همیشه در مرتبه دوم قرار دارد، برخی آن را از باب مزاجه و مشاکله و برخی آن را جزء متشابهات به‌شمار آورده‌اند. باید توجه کرد که مکر در لغت عرب با آنچه در فارسی امروز از آن دریافت می‌شود،

تفاوت بسیار دارد در فارسی امروز مکر به نقشه‌های شیطانی و زیان‌بخش گفته می‌شود در حالی که در لغت عرب هر نوع چاره‌اندیشی را مکر می‌گویند که گاهی خوب و گاهی زیان‌آور است.

بنابراین، منظور از آیه مورد بحث و آیات متعدد دیگری که مکر را به خدا نسبت می‌دهد این است که دشمنان با طرح‌های شیطانی خود می‌خواستند جلو دعوت الهی را بگیرند، اما خداوند برای پیشرفت آیینش تدبیر کرد و نقشه‌های آنها نقش بر آب شد. افرادی که استناد مکر به خداوند را جایز نمی‌دانند و آن را از باب مزاجه یا مشاکله یا مجاز می‌دانند به اعتبار معنای شایع میان مردم است؛ زیرا در میان افراد، مکر معنای ضرر رساندن به دیگران را دارد، اما قرآن مکر را به معنای عمل مخفی درباره کسانی به کار می‌برد که غافلند و گاهی به خدا اسناد داده می‌شود و همچنین به ظالمین، پس جریان مشاکله هم مطرح نیست مانند آیه ۹۹ سوره اعراف که البته احتمال مشاکله تقدیری در این آیات هست، اما تام نیست، برخلاف نظر مفسرانی که اسناد این صفت به خداوند را مجاز یا از باب مشاکله می‌دانند، انتساب این گونه صفات به خداوند اسناد حقیقی است، اما با این ضابطه که اگر مکر به قصد اضرار و سوء نیت ایجاد شود، مکر سیئ و مذموم است و اگر ایجاد آن به قصد اضرار و سوء سرپرست نباشد بلکه در اصل و ریشه از رحمت و عنایت نشأت گرفته باشد چنان مگری، نیکو و محمود است؛ زیرا از خداوند متعال جز خیر و عطا افزایه نمی‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۴۱۰)، *مشابه القرآن و مختلفه*. قم: انتشارات بیدار.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاريخ.
۳. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس زکریا (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۵. ابوالسعود، محمد بن محمد (بی تا)، *ارشاد العقل السلیم الی مزایا الی قرآن الکریم (تفسیری السعودی)*. بیروت: دار التراث العربی.
۶. آلوسی، محمود (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر ال قرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
۸. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰)، *آلاء الرحمن فی تفسیر ال قرآن*. قم: بنیاد بعثت.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۱. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تسنیم، تهران: مرکز نشر اسراء.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالقلم.
۱۳. طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث.
۱۶. عسگری، ابو هلال (۱۴۱۲). الفروق الغویه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). العین. قم: انتشارات هجرت.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

